



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث در وظائف آموزشی خانواده بود، البته ادله‌ای که ما می‌آوردیم، ادله‌ای است که در مسائل تربیتی هم به کار می‌رود. از جمله این ادله در زمینه وظائف آموزشی خانواده، آیات بود که داشتیم بررسی می‌کردیم. یکی از این آیات، آیه‌ای از سوره تحریم بود: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶)

دلیل دوم: آیه شش سوره طلاق

آیه دیگر آیه شش سوره طلاق است: «وَ أَتَمَّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق/۶) عمده آیتی که در این سوره است، مربوط به مباحث خانواده، آن هم بحث طلاق و عده طلاق و امثال این‌ها می‌باشد. این آیه شریفه را از ابتدا می‌خوانم:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ» (طلاق/۱) یکی از محورهای اصلی در این آیه، بحث عده است و احکام عده و طلاق و ... و همین‌طور ادامه می‌یابد تا به برخی از احکام رضاع و شیردهی بچه در طول طلاق و بعد از طلاق اشاره می‌کند.

نکات تربیتی آیه ششم

آیه ششم این است: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق/۶) این آیه مربوط به زنان مطلقه‌ای است که در عده به سر می‌برند. به نکات تربیتی این آیه در جهت آموزش وظائف خانوادگی اشاره می‌کنیم:

نکته اول

این آیه می‌فرماید که در حال عده از آن توانمندی خودتان استفاده نکنید و در جای مناسبی آن‌ها را سکونت بدهید؛ چون حق سکنی در هنگام عده بر عهده مرد است و باید در دوره عده هم آن حق را حفظ بکند. اسلام هم بر این مسئله تأکید بسیاری دارد.



نکته دوم

تأکید اسلام بر مسئله قبل تا به آنجا می‌باشد که در ادامه می‌فرماید: «أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ»؛ یعنی به آن‌ها آسیب نزنید که زندگی به آن‌ها سخت بشود و سخت‌گیری هم نکنید. در دوره عده هم باید به همان شکلی که قبلاً شما مسکن و امکانات برایشان فراهم می‌کردید، رفتار کنید. «و لَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» بسیار تأکید دارد.

نکته سوم

«و إِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٌ...»، این قسمت از آیه در مورد زنان بارداری است که در عده به سر می‌برند. آیه درباره این دسته از زنان، تأکید ویژه‌ای دارد. بعد در ادامه می‌فرماید: «لَا وَ إِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»؛ (طلاق/۶) زیرا عده زن باردار، وضع حمل است.

نکته چهارم

در مرحله بعد می‌فرماید: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (طلاق/۶) بعد از اینکه عده تمام شد و بچه را وضع حمل کرد، با توافق یکدیگر به بچه شیر بدهد و این اولویت دارد و بابت این کار، شما اجرشان را بدهید. این صورت اول است که ترجیح این است که شما اجر را بدهید، او هم بپذیرد و این بچه از خود مادر استرضاع بکند و شیر مادر را بخورد.

نکته پنجم

در ذیل عبارات فوق‌الذکر می‌فرماید: «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»؛ یعنی به شکل مناسبی با هم تعامل کرده و مشورت بکنید.



نکته ششم

«وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعِ لُهُ أُخْرَى» (طلاق/۶) اما اگر با هم کنار نیامدید و توافق نشد که این مادر، بچه را شیر بدهد، یک زن دیگری بیاید و به او شیر دهد، اما ترجیح و تأکید آیه شریفه این است که مادر این شیر را بدهد.

نکته هفتم

تا جایی که می‌شود باید تلاش کرد که بچه از مادر شیر بخورد، حتی در دوره‌ای که طلاق داده و در حال حمل است و این یعنی در زمانی که با یکدیگر زندگی می‌کنند و طلاقی در بین نیست، به طریق اولی باید بچه شیر مادر را بخورد.

این‌ها مقدمات بحث بود تا در فضای آیه بیاییم.

دیگر وظایف آموزشی والدین

«فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أَتَمَّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعِ لُهُ أُخْرَى». شاهدی که در این آیه است و استدلالی که به این آیه شده، عبارت «وَ أَتَمَّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» است و این عبارت به این معنا می‌باشد که با هم به نحو درست، در جهت رشد و تربیت فرزندان مشورت بکنید، البته به این مطلب تصریح نشده است، ولی می‌شود این را از خود آیه و متعلقاتش فهمید، بنابراین شما در رشد و کمال و بالندگی فرزند خود، مسئولیت دارید، از جمله بحث شیر و موارد دیگر.

وجه استدلال

برخی وجه الاستدلال را این طور بیان نمودند که «وَ أَتَمَّرُوا»، عطف بر ما قبل بوده و خطاب برای ازواج می‌باشد و آیه هم فی مقام بیان حکم طلاق و اجرت إرضاع فرزند است و آنچه که از آن استفاده می‌شود، این است که بر زن و مرد واجب است در امور فرزند با هم مشورت کنند تا جدایی آنان سبب ضرر و خسارت فرزند نشود و این مسئله اختصاص به امر شیردهی فرزند ندارد و امور تربیتی طفل را هم شامل می‌شود. گویا آیه می‌فرماید که در امور فرزند، به آنچه که شأن اوست، واجب است با هم مشورت کنید.



جهات بحث در آیه «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» جهت اول: در مفردات آیه

جهت اول در مفردات این آیه است؛ یعنی ببینیم واژه‌های آیه چه دلالتی دارند. اولین واژه‌ای که در آیه آمده، «وَأْتَمِرُوا» است.

۱ - بررسی لغوی ائتمار

در مراجعه به کتب لغت می‌بینیم که ماده امر دو مفهوم دارد:

۱ - ۱ - مفهوم شأنی

۱ - ۲ - مفهوم طلبی

احتمالات مفهوم ائتمار

ائتمار به باب افتعال رفته و در مفهوم آن چهار احتمال وجود دارد:

احتمال اول

احتمال اول این است که ائتمار به معنای قبول الامر باشد. اولین معنایی که به ذهن تبادر می‌کند، همین احتمال است؛ زیرا این واژه به باب افتعال رفته است و معنای متابعه را می‌رساند. یکی از معانی رایج این باب و نیز باب انفعال، متابعه است، پس ائتمار یعنی قبول الامر.

بنا بر این احتمال مفهوم آیه «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» این است که امر یکدیگر را بپذیرید، مثلاً اگر کسی شما را امر به معروف می‌کند، گفته می‌شود: «ائتمر بأمره، امره بمعروف» و یا «ائتمر بامرهم». آن وقت به زن و شوهر



این گونه می‌گوید: «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» و این یعنی او تو را به خوبی‌ها امر می‌کند، تو هم امر او را به خوبی‌ها بپذیر.

در قرآن و در ادبیات دینی ائتمار به معروف یعنی پذیرش امر به معروف و البته این خطاب به ازواج و زن و شوهر هر دو هست؛ یعنی زنان و مردان در فضای خانواده در فضای خانواده ائتمار به معروف بکنند، حتی در شرایط طلاق و دوره عده هم این طور است.

احتمال دوم

احتمال دوم این است که ائتمار به معنای تئامر باشد؛ یعنی یکدیگر را به معروف امر بکنید. بنا بر این احتمال باب تفاعل و به معنای مشارکت است؛ یعنی مرد زن را به معروف امر کند و زن هم مرد را به معروف امر کند، مثلاً در مسئله شیر دادن، تو به او امر کن که به بچه شیر بدهد و او هم به تو امر کند که به درستی با او رفتار کنی و هر دو هوای بچه را داشته باشید، بنا بر این احتمال معنای آیه این می‌شود که یکدیگر را به معروف توصیه بکنید، درست مانند «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۳) این احتمال دوم در مجمع البحرین و نیز در تبیان آمده است.

احتمال سوم

احتمال سوم این است که ائتمروا به معنای مشاوره و تشاور باشد. احتمال سوم در مفردات و نیز در مصباح المنیر و سایر کتاب‌های لغت آمده است. بیان آن این‌گونه است که مشاوره و رایزنی میان زن و شوهر را ائتمار می‌گویند؛ زیرا وقتی که مشاوره می‌کند؛ یعنی امر او را می‌پذیرد، او هم امر او را می‌پذیرد. از این جهت که در مشاوره ائتمار وجود دارد؛ یعنی قبول الامر من الشخص الآخر و این یعنی ائتمار را از معنای اول و اصلیش به معنای جدیدی که مشاوره باشد، منتقل کرده‌اند.

بنا بر این احتمال معنای «وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» این است که با هم مشورت بکنید. همین مسئله در مورد طلاق هم بیان شده است که «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ - فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره/۲۳۳) اگر



خواستند طلاق بدهند، از روی تراض و تشاور باشد. در اینجا هم ائتمار به معنای همان تشاور است. «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»؛ یعنی با همدیگر درباره فرزند مشورت کنید این جور نباشد که پدر یک گوشه‌ای بنشیند و بگوید که اگر خوب شیرش نمی‌دهی نده، من هم می‌روم یک مرضع دیگر می‌گیرم، بلکه می‌گوید بنشینند و با هم مشورت کنند، حتی بعد از طلاق که البته ما می‌گوییم اگر در عده این‌گونه است، به‌طریق‌اولی در دوره قبل طلاق هم این‌گونه است؛ یعنی این مراقبت‌ها و مواظبت‌ها را باید داشت، در حال جدایی و انفصال و عده و بعد از عده. چه قدر قرآن تأکید می‌کند تا بچه آن فضای مناسب را داشته باشد. قاعدتاً این حکم با الغاء خصوصیت، یا تنقیح مناط، برای قبل طلاق هم هست، به‌خصوص در اینجا روی آن تأکید می‌شود.

احتمال چهارم

احتمال چهارم که در لسان عرب آمده، این است که «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»؛ یعنی اهتمام بورزید، همت بکنید و تصمیم بگیرید که به خوبی رفتار بکنید و عزم به معروف داشته باشید، البته وجه مناسبتش بیان نشده است. شاید وجه مناسبت آن این باشد که ائتمار به معنای قبول امر است این قبول امر در جایی است که عزم و اراده‌ای باشد. آن وقت به این مناسبت ائتمار را به معنای عزم و اراده دانسته‌اند و این یعنی عزم و اراده داشته و مصمم باشید. بنا بر احتمال چهارم، معنای این آیه این است که قضیه را شوخی نگیرید و در اینکه به خوبی در اینجا رفتار بکنید، جدی باشید.

این چهار احتمالی است که در این آیه شریفه وجود دارد. نظر اکثر علماء این است که ائتمار به معنای مشورت است. دلیل آن هم علاوه بر کثرت این معنا در کتب لغت، این است که در قرآن قرینه‌ای بر این وجود دارد و آن قرینه هم این است: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ». (قصص/۲۱)

در این آیه ائتمار به معنای مشورت آمده است، البته در عین حال آن احتمالات دیگر هم را نمی‌شود نفی کرد، اگرچه شاید احتمال سوم یک مقدار اظهر از دیگر احتمالات باشد، ولی آن احتمالات هم منتفی نیست؛ یعنی در حقیقت آیه را با هر یک از آن‌ها باشد، می‌شود معنا کرد. به معنای اول اگر باشد این‌گونه می‌شود که «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَتَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ»، اگر شیر دادند اجرشان را بدهید. «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»، امر هم دیگر را قبول بکنید،



یا اینکه یکدیگر را به خوبی‌ها امر بکنید و یا اینکه مشورت بکنید، یا اینکه بر این مسئله عزم و اراده قوی داشته باشید. بله به هر حال به دلیل لغت و به دلیل آیات، آن تشاور و مشاوره یک مقدار اظهر است.

تأکید آیه بر شیردهی به کودک

این آیه نسبت به شیردهی تأکید بسیاری دارد و اصرار دارد به این‌که کودک از شیر محروم نشود، به لحاظ خواص پزشکی یا خواص عاطفی و روحی و لذا شاید ائتمار به معروف؛ یعنی مشورت بکنید و این شاید کمی اظهر باشد.

نظر استاد (حفظه الله)

گفتیم آیه را بر اساس هر یک از احتمالات مطرح شده می‌توان معنا نمود، البته ما وجهی برای اینکه بتوانیم قاطع یکی از این‌ها را مشخص بکنیم، پیدا نکردیم. اگر شما فکر کردید و نقطه‌ای را گفتید ما دست شما را می‌بوسیم. البته گفته می‌شود که مؤتمر در زبان فعلی این طور است و به معنای مشورت می‌باشد، ولی نمی‌دانم این واژه در زمان قدیم هم به این معنا بوده است، یا نه. مثلاً در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، حتی عهد جاهلیت.

طرح یک سؤال

ممکن است کسی سؤال بگوید که در ائتمروا استعمال لفظ اکثر از معنا باشد و در این صورت ائتمروا؛ یعنی همدیگر را امر به معروف بکنید و امر همدیگر را بپذیرید و مشورت بکنید و عزم هم داشته باشید. این احتمال هست، منتهی استعمال لفظ در اکثر از معنا به نظر ما جایز است، ولی در اصول نمی‌دانم نظر چیست، ولی ما قدیم می‌گفتیم جایز است و الان نظر تازه‌ای ندیده‌ام. این یک بحث در مفردات آیه بود.



۲ - بررسی واژه بمعروف

عرفان و معرفت، از دیگر مشتقات این واژه هستند. اصل معروف درک و شناخت است. به چیز پسندیده معروف هم می‌گویند.

معروف از ماده عرف که بیاید، به معنای شناخته شده است، ولی بعد منتقل شده به چیزی که به خوبی شناخته شده، نه معروف به معنای شناخته شده و پسندیده شده؛ زیرا چیز پسندیده شده، شناخت بهتری به آن تعلق می‌گیرد و از این جهت معروف را به معنای پسندیده و شایسته در مقابل منکر به کار می‌برند، البته منکر هم همین طور است، منکر یعنی چیزی که انکار می‌شود و دلیل انکار آن هم این است که مذموم است و لذا منکر به معنای مذموم به کار رفته است و به کار پسندیده و شایسته و ممدوح، معروف گفته می‌شود و لذا اصل ماده معروف و منکر همان مورد شناخت، یا مورد نفی و انکار است، اما بعد - با آن مناسبتی که به آن اشاره کردم - به ممدوح و مذموم منتقل شده است. در معنای معروف بحثی وجود ندارد.

معروف شرعی، یا عرفی

تعریف معروف واضح است و بحث تنها در این است که منظور از معروف، معروف شرعی است، یا معروف عرفی است.

این مسئله در بحث امر به معروف و نهی از منکر هم مطرح شده است که «المَعْرُوفُ عِنْدَ الشَّرْعِ مَقْصُودُ الْمَعْرُوفِ عِنْدَ الشَّرْعِ أَوْ عِنْدَ الْعُرْفِ وَالْعُقْلَاءِ».

احتمال اول: معروف شرعی

یک احتمال این است که وقتی گفته می‌شود که امر به معروف، یا منکر کنید، یا اینجا که می‌گویند تئامر به معروف بکنید؛ یعنی معروف عند الشرح که شارع آن را مستحسن شمرده و مستحبش کرده است.



احتمال دوم: معروف عقلی

احتمال دوم این است که مقصود از معروف عند العرف و عند العقلا است یعنی آن معروفی که عند العقلا پسندیده شمرده می‌شود.

شبهه این مسئله در فقه آمده است، اگر به فقه مراجعه بکنید، یک بحث بسیار پیچیده و دقیقی در آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء/۲۹) است و قبلاً در مکاسب به آن اشاره کردم، اگر یادتان باشد. همین بحث در این آیه هم هست که این‌که گفته شده در اموالتان به شکل باطل تصرف نکنید، بحث است که منظور کدام است باطل عند الشرع، یا عند العرف؟

از این آیه نمی‌شود چیزی را استفاده کرد. از نظر عقلایی باید ببینیم شارع چه گفته و چه روشی باطل و چه روشی درست است. اگر از نظر شارع باطل باشد، آن وقت نباید به آن شکل تصرف کرد، ولی اگر باطل عند العرف باشد، آنچه که دریافت عرفی است، شارع همان را در اینجا تأیید می‌کند. چیزی که از نظر عقلایی اکل مال به باطل است، مثل گلدکوئیست عرف می‌گوید این کار، کار باطلی است. شرع هم پیشاپیش نظری نداده است. موضوع آیه باطل عرفی است و آیه وقتی روی آن نهی می‌آورد، آن وقت شرع هم این را تأیید می‌کند و لذا باطل شرعی هم می‌شود. در امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور است. اگر بگوییم مقصود از معروف و منکر، معروف و منکر شرعی است، اول باید برویم سراغ شرع و ببینیم از نظر شرع چه چیزی معروف است و چه چیزی منکر، بعد بگوییم این را امر کن آن را نهی کن.

اگر معروف و منکر را عرفی گرفتیم، می‌گویید آنچه که عرف و عقلا آن را معروف و یا آن را منکر می‌دانند، شما هم امر و نهی بکنید، البته مادامی که شارع چیزی راجع به این معروف عند العقلاء نگفته باشد. این‌که می‌گوید این را به او امر کن و یا رعایت کن، «قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»، (اسراء/۲۴) خود این آیه عرف را تأیید می‌کند و آن وقت با این آیه شرعی می‌شود. شرعی بودنش از قبل نباید احراز بشود، بلکه با خود این آیه شرعی می‌شود و بنا بر این‌که معروف به معنای شرعی باشد از قبل باید شرعیتش احراز بشود

حقیقت شرعیه الفاظ



در اینجا یک سؤال مهمی وجود دارد که در خیلی جاها مثل حلقات و معالم آمده است و آن بحث حقیقت شرعیه است که آیا در مثل صلوه و امثال اینها حقیقت شرعیه داریم، یا نداریم؟ به این معنا که آیا شارع این واژه‌ها را با قید شرعی و با اصطلاح خاص به کار می‌برد، یا با همان اصطلاحی که عند العرف و العقلاء است؟ و این آثار زیادی دارد. در اینجا هم همین طور است و ما می‌خواهیم بگوییم این معروف یک حقیقت شرعیه دارد؛ یعنی قبل از اینکه این آیه بگوید امر به معروف کنید، شرع گفته است که اینها معروف است و اینها واجب است و یا مستحب است و در مورد منکر هم شرع گفته حرام است و یا مکروه است و این مقصود است؛ یعنی در خود معروف و منکر اشاره‌ای به احکام دیگر شرعی است و یا اینکه معروف و منکر همانی است که عند العرف و معروف و منکر است، مگر اینکه شارع جایی تخطئه نکند که در این صورت عیبی ندارد که کدام مقصود است. و صلی الله علی محمد و آله الاطهار